

مقدمه:

سرطان پوست شایعترین نوع سرطان در شهر یزد می باشد. بیشترین مدت زمانی که فرد در معرض اشعه نور خورشید قرار می گیرد قبل از سن ۲۰ سالگی می باشد مواجهه با نور خورشید در دوران کودکی و نوجوانی نقش مهمی در توسعه سرطان پوست در آینده دارد. از آنجایی که کودکان و نوجوانان چندین ساعت در طول هفته را در مدرسه می گذرانند که بعضی از ساعات آن را به فعالیت هایی در حیاط مدرسه که در معرض اشعه نور خورشید هستند، می پردازند. مدارس یک جایگاه مناسب برای آموزش و ایجاد الگوی رفتارهای بهداشتی می باشند.

تئوری انگیزش محافظت به وسیله راجرز در سال ۱۹۷۵ بر پایه مدل انتظار ارزش، برای توضیح اثرات ترس بر نگرشها و رفتارهای بهداشتی و اینکه برانگیخته شدن ترس یک اثر مهمی روی انتخاب رفتارها دارد توسعه داده شد. هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر تئوری انگیزش محافظت در جهت ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر یزد سال ۸۸-۱۳۸۷ است.

روش کار:

این مطالعه تجربی بر روی ۳۶۰ دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر یزد انجام شد. روش نمونه گیری به صورت خوشه ای تصادفی بود. بدین ترتیب که از بین دبیرستانهای شهر یزد دو مدرسه از ناحیه یک و دو مدرسه از ناحیه دو به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. که از این ۴ مدرسه ۲ مدرسه گروه آزمون و ۲ مدرسه گروه غیر آزمون می باشد.

داده های مورد نیاز از طریق پرسشنامه ای مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و سوالات مربوط به سازه های تئوری انگیزش محافظت جمع آوری گردید. روایی محتوی و صوری پرسشنامه زیر نظر متخصص پوست و متخصص آموزش بهداشت بررسی گردید و پایایی آن با اجرای طرح پایلوت بر روی ۲۰ نمونه و محاسبه آلفا کرونباخ (دامنه آلفا در مطالعه مقدماتی بین ۰/۸۵-۰/۶۲ و در کل حجم نمونه بین ۰/۸۷-۰/۶۶) تأیید شد.

جهت تعیین تاثیر برنامه آموزشی پرسشنامه مجدداً توسط افراد بعد از گذشت فاصله زمانی دو ماه تکمیل گردید. پس از تکمیل پرسشنامه ها، داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و تستهای آماری ANOVA، T-test، توکی، ویلکاکسون و همچنین ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین رفتارهای محافظت کننده سرطان پوست باسازه های حساسیت درک شده، شدت درک شده، ترس، خودکارآمدی، کارآمدی پاسخ و ارزیابی کنار آمدن همبستگی مثبت و با پاداش، هزینه های پاسخ و ارزیابی تهدید همبستگی منفی در سطح ۰/۰۱ وجود داشت. میزان پیشگویی انگیزش محافظت توسط دو فرآیند میانجی شناختی ارزیابی تهدید و ارزیابی کنار آمدن ۵۴٪ بود که در این میان نقش ارزیابی تهدید ($\beta = ۰/۳۳۵$) بیشتر بود. همچنین میزان پیشگویی رفتارهای محافظت کننده بوسیله سازه انگیزش محافظت ۴۱٪ بود.

آزمون آماری ویلکاکسون اختلاف معنی داری را بین سازه های تئوری انگیزش محافظت و رفتارهای پیشگیری کننده سرطان پوست قبل و بعد از مداخله در گروه آزمون نشان می دهد ($p < 0/05$). بعد از مداخله در گروه آزمون نسبت به گروه شاهد به طور معنی داری استفاده از تمام وسایل محافظت کننده در برابر نور خورشید افزایش یافته بود ($p < 0/05$).

بحث:

با توجه به اثر بخشی مداخله بر اساس تئوری انگیزش محافظت در جهت تغییر نگرش ها و رفتارهای مربوط به خطر سرطان پوست می توان از این تئوری در تدوین برنامه آموزشی در مورد پیشگیری از سرطان پوست در دانش آموزان استفاده کرد.

واژه های کلیدی:

انگیزش محافظت، سرطان پوست، دانش آموزان